

● مهدی چوبینه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا

(جلد اول)

حسب حالی ننوشتی و شد ایامی چند
محرمی گو که فرستم به تو پیغامی چند
ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید

هم مگر پیش نهاد لطف شما گامی چند
این اولین بار نیست که از مجموعه آثار استاد
گرانقدر جناب آقای دکتر حسین شکویی، فروغی دیگر
برافروخته می گردد و آسمان جغرافیای این مرز و بوم به
مشعل تابناک دیگری مزین می شود. مشعلی که
همچون خورشید راهنمای خیل مشتاق علم جغرافیا
است.

جلد اول کتاب اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا در
شهریور ۱۳۷۵ به همت سازمان گیتاشناسی به چاپ
رسید و در اولین روزهای انتشار آن نایاب شد. در بین
آثار مکتوب جغرافیایی چنین استقبالی از یک اثر
تألیفی بی نظیر بود و ناشرین این کتاب را بر آن داشت تا
به سرعت دست به کار تجدید چاپ آن بزنند کتاب
اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا شاید پس از کتاب
فلسفه جغرافیا (اولین اثر استاد در زمینه فلسفه جغرافیا)
کتابی بی بدیل است که جای آن سالها بود در ادبیات
جغرافیایی ایران خالی می نمود. ایشان در مقدمه این
کتاب در باب مطالب آن و اهمیت توجه به فلسفه
جغرافیا چنین می نویسد: در روزگار آشفته و پریشان
جهان سوم، من با تجربه نسبتاً طولانی در آموزش
جغرافیا به این نتیجه رسیده ام که جغرافیدان جهان
سومی، باید با تکیه بر این مفاهیم کلیدی به تحلیل
فضای جغرافیایی بپردازد. زیرا همسویی با این مفاهیم
ما را با تشابهات و تضادهای نواحی جغرافیایی عمیقاً
آشنا می سازد و هر فضای جغرافیایی را به صورت
نمادی از عملکرد نظامهای سیاسی و اقتصادی به
نمایش می گذارد. به سخن روشن، شکل دهی فضاها و
سیر تکوینی پدیده های جغرافیایی، همواره از
اندیشه های سیاسی - اقتصادی تأثیر می پذیرد از این
رو شرایط زمان ما حکم می کند که هر جغرافیدان جهان
سومی، در آثار و تحقیقات جغرافیایی خود، ابتدا باید
روی مفاهیم زیر بیشتر بیاندیشد:

چه نوع جغرافیا؟ برای چه زمانی؟ جهت کدام ملت؟

شکل دهی فضاها و سیر تکوینی پدیده‌های جغرافیایی،
 همواره از اندیشه‌های سیاسی - اقتصادی تأثیر می‌پذیرد. از این
 رو شرایط زمان و مکان حکم می‌کند که
 هر جغرافیدان جهان سومی، در آثار و تحقیقات جغرافیایی
 خود، ابتدا باید روی مفاهیم زیر بیشتر بیاندیشد:
 چه نوع جغرافیا؟ برای چه زمانی؟ جهت کدام ملت؟

شاید تنها در این محور فکری است که جغرافیدان جهان سومی، می‌تواند در پرتو روشنیهای وجدان خود حرکت کند. عدم توجه به این موازین فکری، غفلت نابخشودنی خواهد بود.^(۱)

نکته‌ای که در تمام طول کتاب همواره در نظر استاد بوده و در هیچ یک از فصول آن مورد غفلت قرار نگرفته است. استاد همچون سایر آثار ارزشمند دیگرشان تمام هم و غم خود را مع بروف تجهیز دانشجوی جغرافیا می‌نماید تا در غوغای افکار و ایده‌های گوناگون اولاً بتواند زبان پیچیده و استعاره‌گونه مباحث فلسفی را دریابد و دیگر آنکه سهم خویش را در پاسخگویی به سوالات احتمالی خود ایفا نماید. این موضوع از آنجا آشکار می‌گردد که در طی یکی از سرمقاله‌های مجله رشد جغرافیا، ایشان می‌نویسند: "وقتی که قرن نوزدهم آغاز شد، عصر علمی جغرافیا نیز شروع گردید. در این قرن دانش بشری آن چنان به پیش می‌راند که کمتر محققى قادر بود رد این دانشها را دنبال کند. زیست‌شناسی، فیزیک، روانشناسی، فلسفه و جغرافیا به جایگاه رفیع علمی دست یافتند و هر یک در زمینه خود طرحی نو در انداختند. از این رو در سال ۱۸۸۳ م، اولین تعریف علمی از جغرافیا از طرف فردیناندن رایشتهوفن به این شرح ارائه شد: جغرافیا، از سطح زمین و از پدیده‌هایی که با آن رابطه علّی دارد بحث می‌کند. از آن زمان تاکنون پیشرفت علوم، افزایش اختراعات و اکتشافات، توسعه اقتصادی جوامع، ظهور ایدئولوژیهای تسلط استعمار نو، پیشرفت تکنولوژی، عصر انباشت انعطاف‌پذیر سرمایه، تقسیم کار جهانی، وابستگی کشورهای توسعه نیافته به سرمایه‌داری جهانی و بالاخره ظهور قدرتهای جدید جهانی، شکسته شدن مرزهای جغرافیا و تغییر اصول و تعاریف آن را سبب گردیده است. زیرا در علم جغرافیا، انسان با همه شرایط و موارد فوق در برابر محیط طبیعی و محیط انسان ساخت قرار می‌گیرد و اگر جغرافیا، تعاریف و اصول خود را با این تغییرات جهانی و ناحیه‌ای منطبق نسازد به صورت یک علم خنثی و حتی مرده در می‌آید"^(۲) تجربه بیش از ربع قرن آموزشی جغرافیا

شاید اولین شرط اظهار نظری چنین روشن و متقن باشد که تنها در نظر استاد شکویی فراهم است. اما در مورد کتاب اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا: این کتاب شامل هشت فصل می‌باشد عناوین فصول عبارتند از:

فصل اول فلسفه، پارادایم و جغرافیا: این اولین باری است که در فرهنگ جغرافیا، اصطلاح فلسفی پارادایم بکار گرفته می‌شود در این فصل ضمن ارایه تعریفی از پارادایم، مراحل تکوین پارادایم نو بیان شده است و با اشاره به پارادایمهای جغرافیایی مشهور و مثالواره‌های جغرافیایی، سیر تکوین پارادایمهای جغرافیا را تشریح می‌نماید. از جمله بخشهای ارزشمند دیگر این فصل از کتاب تعیین مناسبات میان جغرافیا و سایر رشته‌های علمی و تقابل علوم طبیعی و علوم اجتماعی در جغرافیا است هرچند مبحث جذاب نگرش سیستمی در جغرافیا نیازهای یک دانشجوی مبتدی جغرافیا را به بهتر وجه ممکن برطرف می‌سازد.

فصل دوم: عوامل اجتماعی و تفکرات جغرافیایی: در این فصل ضمن مروری بر تاریخچه تفکرات کیهان‌شناختی از زمان یونان باستان و نقش تفکر ارسطویی در قرون وسطی به انقلاب علمی دوره نیکولوس کوپرنیک و جغرافیای زمان آن می‌پردازد و سیر تکاملی تکوین دانش جغرافیا را مورد بررسی قرار می‌دهد. این فصل از کتاب جمیع نیازهای یک جغرافیدان را جهت آشنایی با صحنه‌نظرانی که در تکوین دانش جغرافیا مؤثر بودند فراهم می‌آورد و پس از بررسی انجمنهای جغرافیایی و مسیر استعماری آنها، ترکیب اعضای این انجمنها را بررسی نموده و نتیجه می‌گیرد ترکیب غالباً نظامی اعضای انجمن سلطنتی انگلیس از طریق علوم جغرافیایی، در هموار کردن استعمار سرزمینهای جهان، فعالیت‌های خود را ایفا می‌نمونه‌اند. یکی از غنی‌ترین بخشهای این فصل موضوع جغرافیای انارشیستی در تقابل با داروینیسم اجتماعی است در این مورد آمده است "عده‌ای از جغرافیدانان، به انسانی ساختن جغرافیا پرداختند تا جغرافیا را که به صورت ابزاری در دست استعمارگران بود

به خدمت بشریت درآوردند و از طریق جغرافیا با منافع و سوداگریهای استعماری و امپریالیستی به مبارزه بپردازند..."^(۳)

فصل سوم: مفاهیم نو در جغرافیای نو: بدون اغراق یکی از غنی‌ترین و جذاب‌ترین فصول کتاب مورد بحث فصل سوم آن است که دیدی نو و توانی مضاعف در شناخت علم جغرافیا به خواننده می‌بخشد. در این فصل مفهوم محیط و انواع آن به ساده‌ترین بیان ارائه شده است آنگاه مفهوم محیط جغرافیایی را تحلیل می‌نماید و سپس در ۱۰ مورد ویژگیهای محیط جغرافیایی را بیان می‌کند. دیدگاههای جغرافیا از جمله مباحث دیگر این فصل می‌باشد که به طور مشروح بدان اشاره شده است. معرفی مشخصات جغرافیای قانونمند (سیستماتیک) و روابط شاخه‌های مختلف جغرافیا با سایر رشته‌های علمی که در جغرافیای ناحیه‌ای مورد تأکید می‌باشد در کامل‌ترین شکل خود ارایه شده است. نقد و بررسی جغرافیای پست مدرنیستی از مباحث نو و به هنگام این فصل می‌باشد.

فصل چهارم: تحلیلی بر تعاریف جغرافیا: شاید بحث برانگیزترین فصل کتاب که به حق از سوی استاد برای دوره‌های تحصیلات تکمیلی جغرافیا پیشنهاد شده است فصل چهارم کتاب اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا باشد فصلی که حاصل سالها اندیشه و بحث علمی با سایر متفکران فلسفه جغرافیا بوده است در این فصل چهار تعریف از جغرافیا مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است که عبارتند از:

جغرافیا، علم مطالعه چشم‌اندازها؛
 جغرافیا، مطالعه روابط بین انسان و طبیعت؛
 جغرافیا، مطالعه آرایش فضایی پدیده‌ها (علم فضایی)؛
 جغرافیا به منزله علم کورولوژی (علم نواحی).
 و سپس دو تعریف از اساتید و اندیشمندان ایران به نقد گذاشته شده است که اولی مربوط به دکتر محمدحسین پاپلی یزدی است که در سال ۱۳۶۵ با عبارت جغرافیا، روابط متقابل انسان، تکنیک، مدیریت و محیط عنوان شده است^(۴) و دیگری تعریف جغرافیا از

خود استاد است در سال ۱۳۷۲ که چنین آمده است جغرافیا، پراکندگی، افتراق و باز ساخت مکانی - فضایی پدیده‌ها را در ارتباط با ساختار اجتماعی - اقتصادی تبیین می‌کند. (۵)

فصل پنجم: باز ساخت جغرافیایی، مفهوم کلیدی در تحلیلهای جغرافیایی

این فصل شاید شرح مبسوطی از یک کلمه از مجموع عبارتها و مفاهیم بکار رفته در تعریف استاد از جغرافیا باشد که سطح اطلاعات آن به مراتب فراتر از فصول قبلی است و نیاز اساسی دانشجویان در گرایش‌های مختلف جغرافیای انسانی را در تحصیلات تکمیلی تأمین می‌نماید.

فصل ششم: جبر محیطی، امپریالیسم و امکان گرایی با تأکید و تحلیل دو مکتب اساسی در فلسفه جغرافیا و مقایسه نقطه نظرات پیشکسوتان جغرافیا در تاریخ این علم مباحثی ارزشمند فراهم آمده است که علاوه بر ارزش تحلیلی آن شناخت واقع بینانه تری از صاحب نظران و متقدمان جغرافیا را به خواننده القا می‌نماید.

فصل هفتم: مکان و فضا، در مفهوم اساسی در شناخت جغرافیا در این فصل مورد توجه بوده است و همچون فصول گذشته به شایسته ترین شکل ممکن مورد بررسی و موشکافی قرار گرفته است. این فصل نیز همچون فصل پنجم از نیازهای اساسی یک تحصیل کرده جغرافیا در تحصیلات تکمیلی است.

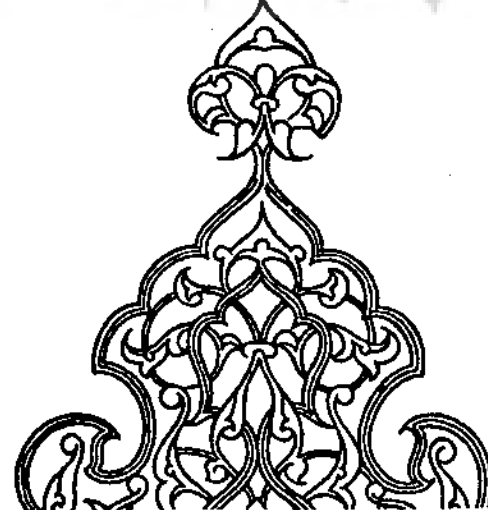
فصل هشتم: جغرافیای ناحیه‌ای نو؛ حدود سی سال پیش که برای اولین بار مفهوم ناحیه در ادبیات جغرافیایی ایران توسط استاد مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت بسیاری از اندیشمندان جغرافیا سمت و سوی تحقیقات دانشجویان خود را به مطالعات ناحیه‌ای به عنوان روشی جامع برای تحلیل جغرافیایی سوق دادند. در این مورد استاد نوشته‌اند: "در ده سال اخیر از طرف عده‌ای از جغرافیدانان عنوان جغرافیای ناحیه‌ای نو، وارد ادبیات جغرافیایی شده است. در جغرافیای ناحیه‌ای نو راه میانی بین تعمیم افراطی در قیاس‌سازی سنتی و تأکید بیش از حد روی منحصر به فرد بودن ناحیه انتخاب می‌شود. بدینسان که جغرافیای ناحیه‌ای نو، نه در "دام تعمیم و عمومیت بخشی" و نه در "دام یکتا گونگی و منفرد بودن" گرفتار می‌گردد. گفتنی است که جغرافیای ناحیه‌ای سنتی، در طی سالهای زیاد نتوانسته بود ادراک منسجمی در تفسیر و تبیین پدیده‌های جغرافیایی فراهم آورد. لازم بود که جغرافیای ناحیه‌ای نو از این کم و کاستها برکنار باشد تا به اساس نظریه‌ای توانمند و روش شناسی مناسب دست یابد." (۶)

در انتهای هر یک از فصول بخشی تحت عنوان نتیجه گیری و منابع مورد استفاده همان فصل آمده است که برای دانشجویان و محققان جغرافیایی اثری سودمند است. در پایان کتاب نیز علاوه بر واژگان، فهرست نامهای اشخاص مندرج در متن به همراه آدرس آن درج شده است.

مؤلف در ادامه، در بخش مقدمه، چگونگی تألیف این کتاب را در کمال تواضع چنین توضیح داده‌اند آنچه که در این کتاب آمده است نه تمام است و نه کمال. اما سعی شده است آخرین تحولات فلسفه جغرافیا و فراز و فرود همه دیدگاههای جغرافیایی، بدون یک سوگیری و با صداقت تمام تا آنجا که توان علمی من اجازه می‌دهد، نشان داده شود. ابتدا قرار بود که هر دو جلد کتاب یکجا منتشر شود متأسفانه خستگی مفرط، امکان تنظیم به موقع یادداشتهای جلد دوم (دیدگاهها و مکتبها) را نداد (۷) "... به سفارش استاد فصول اول، دوم و سوم این کتاب جهت تدریس در دوره کارشناسی در نظر گرفته شده است و فصول بعدی را جهت تدریس در دوره‌های تحصیلات تکمیلی پیشنهاد نموده‌اند. خوشوقتیم از اینکه خبر چاپ قریب‌الوقوع جلد دوم این کتاب را نیز از ناشر محترم دریافت نمودیم.

درباره مؤلف (۸):

دکتر حسین شکویی در سال ۱۳۳۷ از دانشگاه تبریز در رشته جغرافیا با احراز رتبه اول فارغ‌التحصیل گردید و به اخذ مدال درجه یک علمی نایل آمد وی در سال ۱۳۴۹ با درجه فوق‌لیسانس در رشته جغرافیای انسانی از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل



شد و بلافاصله در دانشگاه تبریز به تدریس مشغول گردید. وی در سال ۱۹۷۸ دوره دکتری جغرافیا را در دانشگاه استانبول به اتمام رسانید.

وی علاوه بر تدریس در دانشگاه تبریز به تدریس در دانشگاههای تهران از جمله دانشگاه تربیت معلم پرداخت استاد شکویی از سال ۱۳۴۴ تاکنون ابتدا به عنوان مدیر گروه جغرافیای دانشگاه تربیت مدرس تهران و اکنون به عنوان رئیس بخش علوم جغرافیایی و سنجش از دور همان دانشگاه مشغول به تدریس و راهنمایی دانشجویان رشته جغرافیا می‌باشند. علاوه بر مدیریت گروه جغرافیای دانشگاه تربیت مدرس عضویت دائمی فرهنگستان علوم در شاخه جغرافیا، سرپرستی کمیته برنامه‌ریزی آموزش جغرافیا در وزارت فرهنگ و آموزش عالی و مدیریت گروه جغرافیای سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت) و عضویت هیئت تحریریه مجله رشد آموزش جغرافیا را برعهده دارند سایر آثار و تألیفات ایشان عبارتست از:

- ۱- فلسفه جغرافیا دانشگاه تبریز ۱۳۴۹
- ۲- جغرافیای شهری (جلد ۲) دانشگاه تبریز ۱۳۵۱
- ۳- شهرکهای جدید دانشگاه تبریز ۱۳۵۳
- ۴- مکتبی بر جغرافیای جهانگردی دانشگاه تبریز ۱۳۵۴
- ۵- حاشیه‌نشینان شهری دانشگاه تبریز ۱۳۵۵
- ۶- محیط زیست شهری دانشگاه تبریز ۱۳۵۸
- ۷- جغرافیای اجتماعی شهرها (گوناگونی اجزای شهرها) جهاد دانشگاهی ۱۳۶۶ (کتاب سال)
- ۸- دیدگاههای نو در جغرافیای شهری - سمت ۱۳۷۳ (کتاب سال)

استاد شکویی تاکنون بیش از ۴۰ مقاله در مجله انجمن جغرافیدانان ایران، پژوهشهای جغرافیایی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، مجله مدرس، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی و مجله رشد آموزش جغرافیا به چاپ رسانده و دانشجویان رشته جغرافیا را از دریای بیکران دانش خود سیراب نموده‌اند. کارنامه درخشان فعالیت‌های علمی و فرهنگی استاد شکویی این امید را در دل دانشجویان ایشان زنده می‌دارد که همواره شاهد غنای هر چه بیشتر ادبیات جغرافیایی این مرز و بوم از سوی ایشان باشیم.

پانوشتها:

- ۱- کتاب اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، دکتر حسین شکویی، تهران، سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، چاپ اول، ۱۳۷۵، ج ۱، (مقدمه)، ص ۱۰
- ۲- سرمقاله مجله رشد آموزش جغرافیا شماره ۲۸ پاییز ۱۳۷۴، ص ۱
- ۳- کتاب اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا (فصل دوم)، ص ۸۵
- ۴- همان، ص ۱۹۹
- ۵- همان، ص ۲۰۱
- ۶- همان، ص ۲۳۹
- ۷- همان (مقدمه)، ص (۱۱)
- ۸- مجله رشد آموزش جغرافیا شماره ۳۰ بهار ۷۵، ص ۴۴